

**این روزها در زاگرس چه خبر است؟**
رشته‌کوه اربب لایه‌لایه به کمک درختان بلوط مقام و ریشه دوانده در خاک همچون پنبه آب چشمه‌سارها، رودخانه‌ها و آب‌های زیرزمینی را برای فصول گرم نگهداشته و صدها گیاه خوراکی، دارویی و دامی را به ساکنان ایران زمینه عرضه می‌دارد. جنگل‌های بلوط در سالیان متمادی دچار افت‌ها و طغیان‌هایی ازجمله بیماری زغالی، گال و طغیان حشرات شده است. البته از دست رفتن تراکم و تنوع گونه‌ه در زاگرس تنها به افت ختم نمی‌شود بلکه کشاورزی زیراشکوب جنگل، بادام پروری سنتی و آتش‌سوزی‌ها از عوامل اصلی از دست دادن بخشی از این ذخیره‌گاه ارزشمند زیستی بوده است. در حال حاضر یکی از تهدیدبات موجود تکثیر نوعی حشره به نام پروانه سفید برگ بلوط خوار در بخش‌های وسیعی از زاگرس جنوبی در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و فارس تا قسمتی از چهارمحال و بختیاری است. بر اساس آخرین اطلاعات و آمارها نزدیک به ۷۰هزار هکتار از جنگل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد در شهرستان باشت و کهگیلویه درگیر تکثیر بیش‌ازاندازه و طغیان این حشره هستند. همچنین این پروانه توانسته است به‌خوبی از قانون همسایگی بهره‌مند شود و خود را از سمت باشت به بلوط‌های شهرستان رستم استان فارس و ممسنی برساند. سال ۱۴۰۰ اداره کل منابع طبیعی کهگیلویه و بویراحمد بر اساس دستور سازمان تحقیقات جنگل‌ها از محلول BT با نام علمی باسیلیوس تریچوسپیس برای محلول‌پاشی ۴۰۰هکتار در منطقه باشت استفاده کرد که متأسفانه این محلول‌پاشی باعث نابودی و جلوگیری از پیشروی پروانه سفید برگ‌خوار بلوط نشد.

این پروانه چهار مرحله زیستی شامل تخم، لارو، سفیره و پروانه سفید دارد و تخم‌ها در دو ردیف تسبیخی شامل عسل‌ ماده و هتسل نر است. لارو کامل پس از تنیدن تار سفیدرنگ بین دو تا سه روز بی‌حرکت و سپس به سفیره تبدیل می‌شود. دوره سفیره‌گی بین شش تا هشت روز و زمستان از زیرپوست درختان بلوط می‌گذرانند. با اتمام فصل سرد لاروها بین ساعت ۹صبح تا چهار بعدازظهر از لانه خارج‌شده و اپیدوروم برگ درخت را تغذیه کرده و زمانی که برگ‌های سبز به پایان برسد به درخت سبز دیگر هجوم می‌برند.کیوان فرغامی کارشناس منابع طبیعی کهگیلویه و بویراحمد در این رابطه گفت: سنال گذشته استفاده‌شده ولی بدون نتیجه مشخص و گزارش دقیقی کار به پایان رسید. محلول‌پاشی منطقه باشت نه‌تنها باعث از بین رفتن حشره نند بلکه اسمال با شدت بیشتری در باشت تکثیر شد و پروانه به بخش‌های میانی کهگیلویه ازجمله چاروسا رسید. در یک برنامه شنایزه، بازم اداره کل منابع طبیعی با مشورت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، محلول BT با اسپور ۱۰ به توان ۹ در هر گرم را تجویز و بنده کارشناس ناظر بومد. کار به پیمانکار واگذاز و تمام دستورات اجرایی بسیار دقیق رعایت شد. ساعات محلول‌پاشی به‌صورت دقیق تنظیم شد و با استفاده از تراکتور و کوله‌پشتی به محلول‌پاشی پرداختند. چندین درخت بلوط را هم برای نمونه با سواس فراوانی محلول‌پاشی کردیم ولی نه‌تنها درختان هدف بلکه مناطقی که محلول‌پاشی شدند، هیچ واکنشی به محلول نداشتند و توانسته روی پروانه تأثیراتی نگذارند. به همین دلیل هم پروژه را متوقف کرده و گزارش‌های رسمی را به اداره کل منابع طبیعی استان فرستادیم.

بسیاری از کارشناسان ازجمله حشره شناسان، اکولوژیست و زیست‌بوم شناسان معتقدند که برای غلبه بر تکثیر و زیست‌بوم سفید باید تعداد در یک تحقیق پژوهشی جامع علت طغیان و تکثیر پروانه سفید را یافته و سپس از راهکارهای بهینه خود طبیعت موسوم به راهکارهای بیولوژیک برای مقابله با این حشره استفاده کرد. آنچه مشخص است تا کنون و بر اساس آمارهای اداره کل منابع طبیعی حداقل ۲۰هزار هکتار از جنگل‌های بلوط کهگیلویه و فارس درگیر طغیان این پروانه هستند که وضعیت ۲۰هزار هکتار بحرانی است. طبعاً هر راهکاری که با استفاده از تحقیق پژوهشی متخفان به دست آید نیاز از ابزارهای مدرن و تعیین بودجه ملی برای نجات این جنگل‌ها نیاز است.

**ادامه یادداشت از صفحه اول**

**زوال زاگرس؛ از سیاست تاریخ‌گردها**
شش میلیون هکتار آن پوشیده از جنگل است یعنی ۵۰درصد جنگل‌های ایران، و ۲۳درصد از مساحت مراتع را داراست. توپوگرافی خاص آن، تنوع زیادی در اکوسیستم‌ها و یکسایز گاه‌های با فرغاقیاب به وجود آورده است. در این پهنه ۲۳۵۰گونه از ۱۰هزار گونه گیاهی و جانوری ایران به زیست پرمخاطره خود مشغول‌اند. با همه جغرافیایی که بر تنوع زیستی تحمیل شد به یمن جنگل‌های هیرکانی، زاگرس و حرا، همچنان ایران یکی از زیست‌کشور برتر دارای ایر تنوع زیستی است.

از مهم‌ترین عناصر رستستی آن، گونه ارزشمند بلوط است که ۷۰درصد پوشش جنگلی زاگرس را به خود اختصاص داده است. بلوط‌های کهن‌سال که عمری بیش از ۲۰۰سال دارند در آن بی‌شمارند. این رویشگاه مرتفع و رستنی‌های آن را مهجر کردن جریانبات جوی مدیترانه‌ای و ایجاد نزولات جوی به میزان میانگین ۵۰۰میلی‌متر در سال، ذخیره‌گاه ۴۵درصد آب شیرین ایران و مامن و معاش مطمئن ۲۵درصد جمعیت کشور را فراهم کرده است. تاریخ تمدن دیرینه ایران، مدیون شرایطی است، که زاگرس موجود آن است. جنگل‌های برتراکم، مراتع سرسبز، دشت‌های زربن دامنه، جلگه‌های حاصلخیز و رودهای روان و خوششان، ماوای مناسبی شدند برای سکونت آریایی‌ها. برجسته‌ترین آثار تمدن باستانی ایران، مثل میستون، طاق‌ستان، گهتمان‌ها، معبد انابهیتا، تخت جمشید و پاسارگاد، در نواحی زاگرس نشین به یادگار مانده است؛زاگرس تنها منبعی برای تأمین معیشت نبود بلکه بر مؤلفه‌های معنوی و فرهنگی ساکنانش تأثیر به سزا می‌گذاشت. آواها، نواها، اشعار، قصه، متیل، تمثیل

و افسانه‌های ملهم از آن بیانرند. زاگرس، طی هزاره‌ها، گاهوارهای شدد برای بالیدن و رشد یافتن تمدن‌ها و فرهنگ‌ها. هر آنچه داشت سخاوتمندانه به ساکنانش عرضه کرد و ارزانی داده اما نظر فیست و توان طبیعت نامحدود نیست. کوهستان‌ها بر خلاف سختی و ستبری ظاهری، از حساس‌ترین و شکننده‌ترین اکوسیستم‌های کره زمین تلقی می‌شوند. هر گونه نادانی و نابخردی در به کار رفتن مواهب آن، می‌تواند زمینه‌ساز فرسایش خاک، فرسردگی پوشش گیاهی و درختی یا نابودی حیات‌وحش آن شود.در خلال این سال‌ها، زاگرس با سه چالش بزرگ مواجه شد و از رهگذر این سه، آسیب بسیار دید.

یک: مدیریت نادرست بخش دولتی که بزرگ‌ترین آفت و تهدید برای حیات سرزمینی ایران و ازجمله نواحی زاگرس نشین بوده است. سیاست‌های حاکمیتی تنها مبتنی بر مصرف سرمایه‌های سرزمینی و ذخیره اکولوژیکی بوده است. واگذاری جنگل‌ها و قطع اشجار آن، بهره‌برداری از معادن در موقعیت‌های مکانی حساس، فشار بیش از ظرفیت بر مراتع، سدسازی لجام‌گسیخته، گسترش زمین‌های کشاورزی و باغداری، سیاست نادرست خودکفایی بدون توجه به ظرفیت زیستی کشور، فشار فرساینده بر منابع آب کشور، انتقال آب بین‌حوزه‌ای، دادن مجوز پرورش آبزیان در سرشاخه‌ها، جانمایی نامناسب بسیاری صنایع، جاده‌ها، اتوبان‌ها و شبکه‌های انتقال آب، برق و گاز، به‌کارگیری زیراشکوب جنگل‌ها، ناتوانی در مهار قاجاق چوب و زغال، همه توان سرزمین را تحلیل برند و زاگرس مرکز سبیل این اثرات سوء بوده است. درحالی‌که اندوخته‌های اکولوژیکی و ارزش‌های طبیعی نباید مورد تجاوز و تعدی قرار بگیرند و دست تطاول به سویشان دراز شود.برانگتر از همه عوامل، سیاست‌های مرتبط با آب است. استفاده بی‌رویه از آب‌های سطحی و زیرزمینی، منجر به مکش و تخلیه آب‌ها در ارتفاعات شده و تراز رطوبت از ریشه رستنی‌ها و درختان جنگلی به‌شدت کاهش یافته‌است.

دوم؛ خشک‌سالی‌ها و تغییرات اقلیمی که میزان رطوبت را در هوا و زمین ناپایزتر کرده است، و عامل سوم؛ ریزگردها و طوفان‌های گردوغبار، مجموعه این سه عامل، برآیندی را به وجود آورد که نیروی مخربی شدت برای فشار بر زاگرس و درختانش. تشنگی ناشی از کمبود آب و رطوبت، با خفگی ناشی از غبار و ریزگرد، جنگل‌ها را مستعد متلاشی شدن با افت ولو خردی کرده است. آفت جوانه خوار، پروانه برگ‌خوار و سوسک چوب‌خوار در چنین شرایطی است که جنگل مسخیم را به موجودی سسقیم و فرتوت تنزل می‌دهند و ایربحران می‌آفرینند. حتی دامنه وسیع آتش‌سوزی‌های ویرانگر سالیان اخیر، نیز مرتبط با سوءمدیریت در بهره‌برداری از منابع آبی است. «از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت‌تعجب می‌کنم بوی گلی ماند و رنگ نسترنی».

اکنون شاخسای‌های ماندگاری سرزمین در همه جای کشور و ازجمله در زاگرس، نامطلوب و در بسیاری مؤلفه‌ها فاجعه‌بار است. به‌عنوان کسی که در خلال یک دهه، با نقاط مختلف زاگرس مواجه مستقیم و مدام دارم، متعرفم که وضع آن نزار و نالان است. در کوه نوشته‌های خود به‌کرات و مرات فاسدشدن درختان جنگلی را منعکس کرده‌ام اما کمترین پژو‌اکی در میان مسئولان به وجود نیابرد. مقابله بایسته با بحران، نیازمند اصلاح بسیاری از سیاست‌های کلان‌کشور است.اکنون که ابتدال سال، سیاست، اقتصاد، آموزش، بهداشت، محیط‌زیست و همه امور کلان کشور سیطره افکنده است، مشارکت همه ایرانیان برای حفظ سلامتی سرزمین الزامی است. «مراج زهر تبه شد در این بلا حافظ اکجاست فکر حکیمی و رای برهمنی.»

**ادامه یادداشت از صفحه اول**

**حمله پروانه سفید به منافع ملی**
عوامل زیستی چون حشرات، برگ‌خوارها،چوب‌خوارها، قارچ‌ها، ویروس‌ها و باکتری‌ها، عوامل غیر زیستی شامل آب‌وهوا، میزان بارندگی، آتش‌سوزی، خشک‌سالی، تغییرات دمایی، وضعیت خاک، کمبود عناصر غذایی در خاک، کاهش رطوبت و فشرده شدن خاک که بر خشکیدگی و آسیب‌پذیری بلوط زاگرس نقش دارند؛ اما باید در نظر گرفت جنگل یک اکوسیستم زنده است، تنها چیزی به اسم آفت نداریم. گونه‌های مفید زیادی وجود دارد، در کشاورزی هدف رسیدن محصول است (به هر قیمتا حتی با مصرف بیش‌ازاندازه سم) هر عاملی که مانع رسیدن محصول شود آفت نام دارد و سم‌پاشی می‌کنندا؛ که گاهی باعث از بین رفتن گونه‌های مفید نیز می‌شودولی در جنگل این‌گونه نیست، ما یک اکوسیستم زنده داریم، این چرخه با تمام اجزا تعادل بین خودشان را حفظ می‌کنند، البته در شرایط طبیعی ا وقتی دخالت

## ویژه شهرستان



**فقالن محیط زیست هشدار می دهند:**

# دود زاگرس در چشم ایران

عکس مهتابی آتش‌سوزی

کم از ارتفاع ازگرس چین خورده در کنار ناحیه کم‌پهنا و مرتفع زاگرس بلند، ساختار سطح شیب‌دار جالبی را ایجاد کرده که می‌تواند توده‌های غنی از رطوبت و باران‌زای مدیترانه‌ای را به است کدام افت، باعث به هم خوردن چرخه اکوسیستم می‌شود، فاجعه به بار می‌آید.هر وقت قسمتی از این چرخه از تعادل خارج شود، بنا به هر دلیلی این مشکلات پیش می‌آید. هر گونه مهاجم یک دشمن طبیعی دارد، باید حتما بررسی شود که دلیل طغیان این گونه چه بوده است. ممکن است غذای آن زیاد شده یا شکارچی آن از بین رفته باشد. یا گونه‌های رقیبش با سموم کشاورزی از بین رفته باشند. موضوعی که البته هنوز مشخص نشده است. برای مقابله با این آفت باید برنامه کنترلی و مبارزه وجود داشته باشد. که حداقل بتوان آن را مهار کرد. چون اگر دامنه فعالیت این آفت به مناطقی که آسیب‌دیده و مستعد پذیرش زوال هستند، کشیده شود، پیامدهای وحشتناکی برای آن مناطق خواهد داشت. اکنون این آفت در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال جاری خسارات شدیدی داشته و یکی دو کانون در استان فارس وجود دارد که در آنجا این آفت خسارت‌زایی خودش را نشان می‌دهد. برای کنترل آن تنها راهکاری که وجود دارد، استفاده از ابزارها و روش‌های سازگار با محیط‌زیست است.

**ادامه یادداشت از صفحه اول**

### چیزی شبیه سقوط خر مشیر

وقتی برمی‌گشت و با اعتراض من مواجه می‌شد که چرا همین شاخه‌های نزدیک را اره نمی‌کنند، می‌گفت: مبدا هرگز به شاخه‌ی در درختی آتشی اشارت کنی، یا با لحن تیز تیزی با ساق‌هایش سخن‌بگویی که جانی را خواهی گرفت، ادامه می‌داد: هر کدام از این درختان شاید روزی پیامبری بوده باشد که حالا بلوط بودن را برگزیده است… از همان روزگار، درنگ من در آن دامنه‌های شگفت آغاز شده؛ و زاگرس کم‌کم حجاب‌هایش را کنار زد. بعدها که مکاتب را شناختم فهمیدم، اگر بخوام نام نزدیکی بر این مکاشفه‌ها بگذارم که دیگران بهتر درکش کنند، به ناتواریسم جادویی رسیسم،بلوط‌ها بی‌اغراق نزدیک‌ترین درختان جادویی به خاک ایران سیردم. زاگرس برای ما یک زیستگاه نیست، ارستانمان ما است، نیایشگاه اجدادی ما.

زاگرس موزه چشم‌ها و دست‌ها و کول‌ها و گرده‌ها و اشک‌ها و لبخندهای ماست؛ در قحطی‌ها و فراوانی‌ها، ما اگرچه به‌سختی ولی از زندگی عبور داد. حالا که آماج سهمگین‌ترین بلاها و شیخون آفت‌هاست، چون محمود درویش بر فلسطین، چون نزار قبانی بر پیکر بلقیس، سوگواریم. چون مادران جوان ازدست‌داده به‌ناحق، چون پدران کارگر در بنادر تفتیده که روز بازگشت به آبادی، جیبش را زده باشند، بر زاگرس سوگواریم. چون خرمشهر پیش از سقوط… کسی صدای شیون ما را از ارتفاعات سحرانگیز زاگرس می‌شنود!

**ادامه یادداشت از صفحه اول**

### زاگرس؛ منبع بزرگ آب ایران

طبق مطالعات دقیق نتایج ناشی از داده‌های ماهواره‌ای، بارندگی سالانه اقیانوس اطلس حدود پنج سانتی‌متر بوده که باعث رشد سالانه یک میلی‌متری زاگرس می‌شود. برآنیم که در این گزارش مختصر، اهمیت وجود زاگرس را در تأمین منابع و تأثیر آن بر چرخه آب ایران بیان کنیم. ایران کشوری است که از نظر جغرافیایی در منطقه خشک و نیمه‌خشک واقع شده و همواره در معرض تهدیدبات اقلیمی همچون خشک‌سالی و کم‌بارشی قرار دارد. طبق آمارهای رسمی میانگین بارندگی در کشور ما حدود ۲۵۰میلی‌متر در سال، یعنی یک‌پنجم میانگین بارش جهانی، است. لذا آب در ایران ارزشی بالاتر از این عنصر در دیگر کشورهای جهان دارد.

اول: دست طبیعت به علت همسان برخورد دو صفحه تکنونیک‌ی عربی و ایرانی ساختار زمین‌شناسی زاگرس را به دو ناحیه ساختمانی زاگرس چین خورده با پهنای حدود ۱۵۱ تا ۲۱۱کیلومتر، شمال زیر پهنه‌های لرستان، ایذه، فروافتادگی ذوقول، فارس، پس خشکی ندرعباس و دشت آبادان و دیگری ناحیه ساختمانی زاگرس بلند، با پهنای ۱۱ تا۶۵کیلومتر، نواری کم‌پهنا که تقریباً استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری و بخشی از لرستان را شامل می‌شود، به وجود آورده است. قرار گرفتن دو ناحیه وسیع و

## شهرستان

درخت‌های مختلف در یک منطقه می‌شود؛ درخت‌هایی که با وجود خشک‌سالی‌ها، فشار کنونی کشاورزی و دامداری به‌هیچ‌عنوان امکان رشد مجدد را پیدا نخواهند کرد. دره‌صورت روند آتش‌سوزی‌ها در سال‌های اخیر صعودی بوده است (به‌جز امسال که احتمالاً ناشی از خشک‌سالی گسترده و کمی بارش‌ها در فصل بهار بوده است) و نیاز است چه در حوزه پیشگیری و چه در حوزه مهار آتش‌سوزی اقدامات مهم‌تری مسورت پذیرد. در این حوزه‌ها باید در بحث تهیه تجهیزات تخصصی مهار آتش‌سوزی، آموزش نیروهای تخصصی، آموزش جوامع محلی، هماهنگی بین دستگاه‌های مسئول، احداث آتش‌برها، پایگاه‌های دیدمبانی و… سرمایه‌گذاری شود.بحث کتمان آمار و عدم ارائه وسعت دقیق مناطق سوخته شده چه به هم‌وطنان و چه به مقامات بالادستی، مورد بسیار مهمی است که باید به‌دقت بررسی شود. آنچه مسلم است این استس که آماری که سازمان جنگل‌ها ارائه کرده تفاوت فاحشی با واقعیت دارد که این امر باعث شده استس که آن‌چنان‌که باید حساسیت افکار عمومی و مسئولان برانگیزه نشود.ضعف در اجرای قانون و عدم شناسایی و برخورد با متخلفان نیز از دیگر عوامل مهم تداوم این آتش‌سوزی‌هاست. توانمندسازی جامعه محلی نیز مهم‌ترین اصلی است که باید به‌صورت جدی پیگیری شود تا نتنها در زمینه مهار آتش‌سوزی‌ها بلکه در مورد تمامی تخلفات محیط‌زیستی نیز شاهد بهره‌بردار غیر قانونی کمتری از طبیعت باشیم.

**ادامه یادداشت از صفحه اول**

### دود آتش زاگرس به چشم البرز خواهد رفت

بر اساس یافته‌های علمی و مستند جنگل‌های زاگرس تأمین‌کننده ۴۰درصد آب شیرین تولیدی در کشور هستند. آب شیرینی که اگر به زاگرس نشین‌ها نرسد بقیناً مرکز ایران را سیراب کرده و خواهد کرد، حیات و تداوم این کارکرد حیاتی زاگرس منوط به حفظ پوشش گیاهی و خاصه جنگل‌های بلوط است چرا که هر هکتار جنگل بین ۲۰۰ تا ۲۰۰۰مترمکعب از بار زمین نفوذ می‌دهد، همچنان که پژوهش‌های مختلف بیانگر این است که میزان نفوذ آب در مناطق دارای پوشش جنگلی چهل برابر بیشتر از مناطق بدون پوشش جنگلی است.محققین حوزه محیط‌زیست بر این باورند که هر هکتار جنگل بلوط ۶۸۵تفن گردوغبار را در خود رسوب می‌دهد که هیچ فیلتری توانایی رسوب این حجم از گردوغبار را ندارد. آری؛ بلوط‌ها به سبب بسته شدن روزنه برگ‌هایشان توسط گردوغبار، آب‌نساده می‌میرند اما نمی‌گذارند این گرد، بلا و غم بر مرکز و شمال ایران برسد.جنگل‌های زاگرس با مساحت حدود شش میلیون هکتار ۴۰درصد سطح جنگل‌های ایران را تشکیل می‌دهند و یازده استان را تحت پوشش قرار داده‌اند که بنابر آمارهای رسمی کمی بیشتر از ۱۰درصد از کل جمعیت کشور در این رشته‌کوه‌ها و دامنه‌های آن زندگی می‌کنند، همچنان که زاگرس پذیوای ۲۰درصد از کل عشایر ایران نیز است. در بیسان اهمیت اقتصاد زاگرس همین بس که این منطقه از یک‌سوم قطب تولید گندم و علفه ایران است و از سوی دیگر مزیان ۵۰درصد از جمعیت دام‌کشور.نظر به امراهای برشمرده شده در ارتباط با ظرفیت‌ها و ویژگی‌های درخت بلوط و همچنین خدناکی که رشته‌کوه زاگرس؛ این اسفنج طبیعی، به ایران می‌دهد و همین‌طور با توجه به مسائل، معضلات، مشکلات و بحران‌های درگیر و پیش روی ایران بی‌شک می‌توان چنین ادعا کرد که اگر چشاره‌ای فوری، بنیادین و جامع برای بلوط‌ها و زاگرس اندیشیده نشود، اضمحلال و نابودی جنگل‌های بلوط زاگرس تهدیدی جدی برای امنیت، امنیت ملی، کارآمدی شبکه شهری ایران و مهمتر از همه حیات تمدن ایران خواهد بود.با توجه به نقش زاگرس در تأمین آب شیرین باشندگان در این حوزه و همچنین ساکنان برمصرف مرکز ایران، بی‌شک می‌توجهی به جنگل‌های بلوط زاگرس منجر به کاهش چشم‌گیر ذخیره آب و تشدید هر چه بیشتر بحران آب در ایران می‌شود، همچنان‌که از این رفتن جنگل‌ها و پوشش گیاهی زاگرس بر اثر انواع آفات، آتش‌سوزی و فعالیت‌های انسانی علاوه بر کاهش تاب‌آوری عمده سکونتگاههای واقع در این منطقه در برابر سیل و سایر بلاهای طبیعی به‌صورت چشم‌گیری اقتصاد ساکنان را نیز مختل خواهد کرد و در چنین شرایطی چاره مردم جز مهاجرت به‌سوی شبکه‌های شهری واقع در حوزه البرز نخواهد بود؛ موضوعی که حرکت جمعیت از مرکز، جنوب، جنوب شرق و شرق ایران به شمال کشور می‌سوزد این آتش/ پرده و فرش‌ها را تارشان با پودسوزدم این آتش بنیادگر بنیادهی‌کنم فریاد، ای فریادای فریاد!».

**ادامه یادداشت از صفحه اول**

### نسل کشی آتش‌سوزی‌ها در زاگرس

متأسفانه آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس که به‌خصوص در یک دهه اخیر به‌شدت زیاد شده است تأثیرات مخرب بسیاری از خود بر جای می‌گذارد که به عقیده‌ی بسیاری از کارشناسان، این پدیده تقریباً نوظهور در حال حاضر بزرگ‌ترین معضل محیط‌زیستی کشورمان به‌حساب می‌آید.آتش‌سوزی آزان جهت مخرب‌تر از سایر عواملی چون کشاورزی و دامداری است که دشت، کوهپایه، نقاط میانی تا مرتفع‌ترین قلل زاگرس را که پوششش جنگلی دارند درمی‌نورد. مناطقی چون ارتفاعات که کمتر مورد چرای دام قرار می‌گیرند یا کوهپایه‌های بسیار تند که چرا دسترس دامداران را از کشیدار است. در همه دنیا دولت‌ها با چند ساعت در آتش می‌سوزند. از طرفی شاید کشاورزی و دامداری فقط نهای‌های کوچک یک تا چندساله را از بین ببرد اما در آتش‌سوزی‌ها درخت‌های یک تا هزارساله با براحتی از بین می‌روند.آنچه در آتش‌سوزی‌ها رخ می‌دهد و در محافل علمی و تخصصی کمتر به آن پرداخته‌شده این است که در آتش‌سوزی‌ها درصد بزرگی از جمعیت یک درخت ممکن است از بین برود. به‌عنوان مثال بیش از ۵۰ تا ۶۰درصد درخت‌های کبکم یا ۳۰ تا ۵۰درصد درخت‌های بادام فقط در یک آتش‌سوزی از بین می‌روند. باید در نظر بگیریم که در طول چند سال یک منطقه چندین بار دچار آتش‌سوزی می‌شود و از طرفی رشد درختانی چون کبکم یا بادام بسیار کندتر از تکرار آتش‌سوزی‌هاست. به همین دلیل آتش‌سوزی به‌راحتی باعث اقرضای نسل کامل